

سینمای جهان

به همت: حامد مظفری

با همکاری آقایان: مهدی فلاح صابر، حسن نجفی، محمد ناصری

داوود زامهر، هومن ظریف، سید سعید هاشم زاده، محمود عبدالمجید

کاوهر فاهی

و خنمها: نادنا ز کالوند و مهسا نور بختیار

معرفی مشهورترین آهنگسازان فیلم

بهترین فیلم‌های موزیکال سال

فیزیک در سینما (۷)

نگاهی به دو فیلم کم‌تر دیده‌شده‌ی موزیکال

نگاهی به شخصیت، موسیقی و ترانه‌های باب دیلن

گفت‌وگو با استیون اسپیلبرگ

ساحره‌یی به نام هالیوود (بخش پایانی)

نمای نزدیک: آبی (Bleu)

آشنایی با سایت‌های سینمایی

زندگی و آثار فیلیپ گلس

تحلیل فیلم بورات به کارگردانی لری چارلز

بازیگری در فیلم‌های موزیکال

نماد هویت

در حالی که یکی از پرطرفدارترین انواع

فیلم‌ها در سطح جهان، فیلم‌های موزیکال هستند اما

در ایران توجه چندانی به این نوع فیلمسازی نمی‌شود. در

تاریخ سینمای ایران فقط می‌توان نمونه‌های محدودی را یافت

که در چنین قالبی ساخته شده‌اند؛ نوعی از سینما که در کشور ما رو

به فراموشی است اما در برنامه‌های فرهنگی کشورهایی نظیر هند قرار

دارد. سینمای موزیکال از جمله گونه‌های سینمایی است که علاوه بر

رشد سینما، سبب‌ساز باروری صنعت موسیقی نیز شده و اگر به صورتی

کاملاً جدی به آن توجه شود توانایی این را دارد که آهنگسازان بسیاری

را نیز به‌روراند. لازم به ذکر است که می‌توان بر اساس بسیاری از

منظومه‌های ادب فارسی فیلم‌های موزیکال ساخت، به عنوان

مثال بسیاری از اشعار فردوسی امکان آن را دارند که منبع

اقتباس‌های سینمایی موزیکال قرار گیرند تا سینما،

موسیقی و شعر ایرانی در کنار یکدیگر نمایانگر

هویت ملی ما ایرانیان باشند!

Music in World Cinema





معرفی مشهورترین آهنگسازان فیلم

خیاگران هنر هفتم

فیلم را ساخت، این شاخه از آهنگسازی را کشف کرد. با دیدن نتیجه‌ی چشمگیر کار هونگر، روزا به مطالعه‌ی فیلم‌ها و نقش موسیقی در قدرت بخشیدن به آن‌ها پرداخت. در ۱۹۳۷ از او دعوت شد تا موسیقی فیلم جاسوسی - عشقی «شوالیه‌ی بدون زره» را بسازد. این فیلم که «مارلین دیتریش» ستاره‌ی آن است، یک موفقیت بین‌المللی بود و مدت کوتاهی پس از پخش آن از روزا دعوت شد تا به گروه تولید کمپانی لندن فیلمز بپیوندد. این کمپانی که توسط فیلمساز مجار «آلکساندر کوردا» به وجود آمده بود، در طول سه سال، آثار کلاسیکی چون «چهار پر و دزد بغداد» را تولید کرد. موسیقی فیلم‌های «طلسم‌شده» و «زندگی دوگانه» برای روزا جایزه‌ی اسکار را به دنبال داشت. پس از آن روزا به گروه تولید مترو گلدوین مایر پیوست و برای پانزده سال با آن‌ها همکاری کرد. حاصل این همکاری موسیقی فیلم‌هایی چون «بن‌هور» - که اسکار سوم او را به ارمنان آورد - «ال سید»، «آیوانهو»، «پس جوان» و بسیاری دیگر از آثار مشهور است. در این دوران، او کار نوشتن موسیقی برای کنسرت را فراموش نکرد. روزا در میان نسل آهنگسازان فیلم دوران خود، از جمله موفق‌ترین‌ها بود، زیرا توانست تعادلی بین آثار سینمایی و کنسرت‌های خود به وجود بیاورد. موسیقی کنسرتی او در اثر حضورش در هالیوود ضعیف نشد و روزا همواره موقعیت خود را به عنوان یک آهنگساز جدی حفظ کرد. گاهی اوقات روزا دو نوع کار خود را در هم ادغام می‌کرد: در فیلم «زندگی خصوصی شرلوک هولمز» ساخته‌ی «بیلی وایلدنر» در سال ۱۹۷۰، روزا علاوه بر ساختن موسیقی متن، در صحنه‌ی از فیلم در حال رهبری کنسرتوی ویولن خود دیده

او در طول تابستان‌هایی که در املاک پدرش می‌گذراند با طبقه‌ی دهقان و رعایای روستاهای اطراف آشنا شد تا جایی که می‌توانست موسیقی فولکلوریک آن‌ها را به خاطر بسپارد. میکلوش کوچک در سن ۵ سالگی نواختن ویولن را آغاز کرد و بعد به آموختن ویولا و پیانو پرداخت، در ۷ سالگی برای اولین بار به روی صحنه رفت و برای عموم به نواختن پرداخت. او در دوران دبیرستان عضو مهم انجمن «فرانتس لیست»، پیانیست و آهنگساز بالاستعداد مجار بود اما به خاطر ایراد دو سخنرانی در دفاع از بارتوک و کودای - که در آن زمان مدرنیست‌های بسیار جنجالی به شمار می‌آمدند - به عنوان دانش‌آموز شورشی شناخته می‌شد. در سال ۱۹۲۵ او به خاطر دلخوشی پدرش، در رشته‌ی شیمی دانشگاه لایپزیک ثبت نام کرد اما پس از اتمام سال اول، تغییر رشته داد و به تحصیل موسیقی پرداخت. استادان او در این زمان «هرمن گرینر» و «کارل اشتراوب» بودند. او در سال‌های تحصیل اولین اثر رسمی خود را تحریر کرد که یک تریو - سرنا د برای سازهای زهی بود. این اثر استادش اشتراوب را چنان تحت تأثیر قرار داد که آن را به انتشارات بریت کوف و هارتل معرفی کرد و آن‌ها این اثر را همراه با یک تریو - سرنا د منتشر کردند. روزا پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۱۹۲۹ به عنوان دستیار برای گرینر کار می‌کرد و سپس در ۱۹۳۱ به پاریس نقل مکان کرد. سرنا د روزا در بوداپست تحت رهبری «ارنست فون دونانی» اجرا شد؛ جالب آن که «ریچارد اشتراوس» آهنگساز آلمانی با شنیدن این اثر، روزا را به شدت تشویق کرد تا به آهنگسازی ادامه دهد. روزا در اواسط دهه‌ی ۳۰، زمانی که دوستش «آرتور هونگر» موسیقی متن یک

هرچند در عالم سینما، آهنگسازان بسیاری بوده‌اند که همپای کارگردانان و بازیگران به رشد این صنعت کمک نموده‌اند ولی در این میان چند نام بزرگ حضور داشته‌اند که کارهایشان به عنوان موسیقی متن فیلم‌ها، جدا از فیلم‌ها مشهور شده و بارها به صورت آلبوم‌های صوتی منتشر گردیده است. در زیر ضمن معرفی چند آهنگساز از این دسته، مروری کوتاه خواهیم داشت بر جریان زندگی هنری آن‌ها!

مهاپوریختیار

میکلوش روزا



«میکلوش روزا» آهنگساز مجار، شهرت خود را بیش از هر چیز به موسیقی متن فیلم‌های هالیوودی و انگلیسی مدیون است. او همچنین سازنده‌ی قطعات بسیاری از موسیقی‌های مجلسی، کنسرتو و قطعات ارکسترال برای اجرا در سالن‌های موسیقی است. موسیقی روزا به سبک پست‌رومانتیک و بسیار تحت تأثیر ملودی‌های فولکلور کشورش - مجارستان - و تأثیر جزئی دو غول موسیقی قرن بیستم مجارستان یعنی «بلا بارتوک» و «ژولتان کودای» است. روزا (روشا) فرزند یک خانواده‌ی ثروتمند اهل بوداپست بود؛ پدرش کارخانه‌دار و مادرش زنی هنرمند و عاشق موسیقی بود.

می‌شود. او طی سال‌های ۸۰ هم‌چنان فعال بود و تا آخر این دهه به انتشار آثار جدید خود می‌پرداخت. به‌رغم بالا رفتن سن و یک حمله قلبی تضعیف‌کننده که موجب پایان کار حرفه‌ای روزا در اجرا و رهبری شد، او در دهه‌ی ۹۰ نیز هم‌چنان در تمام جنبه‌های کار خود فعال بود. روزا در ضبط نسخه‌های جدید آثارش به رهبری «جیمز سیدارس» همکاری کرد و در جولای ۱۹۹۵ در سن ۸۸ سالگی درگذشت.

جری گلد اسمیت



اگر فیلم‌هایی چون «پایون»، «طالع نحس» یا «مومیایی» را دیده باشید، بدون شک متوجه موسیقی بسیار زیبایی این فیلم‌های بزرگ شده‌اید، آهنگساز این کارهای بزرگ کسی نیست به جز «جری گلد اسمیت». او در سال ۱۹۲۹ در کالیفرنیا به دنیا آمد، از ۶ سالگی شروع به نواختن پیانو کرد و در ۱۴ سالگی به فراگیری دانش هارمونی، کنترپوان و آهنگسازی پرداخت. این امکان نیز برای او مهیا شد تا در کلاس‌های درس آهنگسازی «میکلوش روزا» موسیقیدان افسانه‌ی سینما در دانشگاه کالیفرنیا حاضر شود و البته نشان داد که یگانه شاگرد موفق وی بوده است. گلد اسمیت علاقه‌ی بسیار زیادی به موسیقی ارکسترال داشت و تا مدت‌ها آهنگساز کنسرت‌های بزرگ بود اما به دلیل نبودن امکان برگزاری کنسرت‌های متعدد و عدم ارضای روح تشنه‌اش که تمایل به آهنگسازی شبانه‌روزی داشت، تصمیم گرفت هرچه سریع‌تر حرفه‌ی کاری خود را تغییر دهد.

در سال ۱۹۴۵ تحت تأثیر صحبت‌های میکلوش روزا و «اینگرید برگمن» ستاره‌ی سینمای هالیوود قرار گرفت و شروع به

آهنگسازی فیلم کرد. در سال ۱۹۵۰ کار رسمی خود را در سی‌بی‌اس آغاز کرد؛ ابتدا به عنوان کارمند عادی و خیلی زود به عنوان آهنگساز برنامه‌های رادیویی. تا سال ۱۹۶۰ با سی‌بی‌اس همکاری می‌کرد، سپس در سال ۱۹۶۲ نامزد دریافت جایزه‌ی اسکار برای موسیقی فیلم «فرود» شد و در سال ۱۹۶۳ موسیقی فیلم «تنهایی شجاعت است» را ساخت. پس از آن قرارداد همکاری با کمپانی فوکس قرن بیستم را امضا کرد و شروع به ایجاد تحول در موسیقی فیلم‌های این کمپانی کرد. او تشنه‌ی کار کردن بود و به همین دلیل توانست به سمت مجموعه‌های تلویزیونی کشیده نشود. موسیقی مجموعه‌های تلویزیونی آشنایی چون «والتونز» و «کوچ ستاره» از جمله کارهای موفق او در تلویزیون بود. موسیقی فیلم‌هایی مانند «پایون» و «حله‌ی چینی‌ها» که در ایران مورد استقبال فراوان قرار گرفتند نیز از آثار این آهنگساز بزرگ است. او هم‌چنان به کار خود ادامه می‌داد. در دهه‌ی ۸۰، موسیقی فیلم‌هایی چون «اولین خون»، «کاپری کورن ۱»، «ستیز نهایی» و «قانون جنایی» را ساخت و در دهه‌ی ۹۰، موسیقی فیلم‌های بزرگی چون «فراخوان نهایی» و «غریزه‌ی اصلی» از ساخته‌های او بود. گلد اسمیت توانست بیش از ۸۰ جایزه برای ساخته‌های خود به دست آورد و در سال ۱۹۷۶ جایزه‌ی اسکار بهترین موسیقی را برای فیلم طالع نحس نصیب خود کند.

لالو شیفین



«لالو شیفین» در سال ۱۹۳۲ در بوینوس آیرس آرژانتین به دنیا آمد. پدرش او را با موسیقی به‌ویژه ویولن آشنا کرد و تا مدت‌ها ساز اصلی او ویولن بود. پس از

کسب موفقیت‌های اولیه در موسیقی، بورس تحصیلی از دانشگاه موسیقی پاریس را دریافت کرد و پس از مدت کوتاهی تحصیل در آن‌جا، پیانو را به عنوان ساز اصلی خود انتخاب کرد و هنوز مدت زیادی از حضورش در دانشگاه نگذشته بود که خطامشی موسیقایی خود را پیدا کرد که چیزی نبود جز موسیقی جاز! او خیلی زود تبدیل به یک پیانیست مطرح در جاز شد و توانست خود را در یک دوئت در جشنواره‌ی بین‌المللی جاز در سال ۱۹۵۵ معرفی کند. در این هنگام بود که توانست «دیزی گیلسی» دیگر پیانیست مطرح جاز را ملاقات کند و پس از مدتی به حدی در موسیقی پیشرفت کرد که با گیلسی شروع به همکاری کرد.

کار اصلی شیفین ساخت موسیقی به‌ویژه برای فیلم بود. او در سال ۱۹۵۸ به آمریکا مهاجرت کرد و تقریباً بیش‌تر قطعات گیلسی را او می‌ساخت و یا تنظیم می‌کرد. در سال ۱۹۵۹ وارد تلویزیون لس آنجلس شد و در سال ۱۹۶۰ به عنوان بهترین آهنگساز فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی انتخاب شد. از زیباترین کارهای او که در نوع خود جزو بهترین‌های تم‌های موسیقی گیلسی نیز هستند، موسیقی متن فیلم‌های «هاموریت غیرممکن» و «ساعت شلوغی» است.

المر برنشتین



«المر برنشتین» آهنگساز فیلم‌هایی مانند «ده فرمان»، «فرار بزرگ»، «روح»، «هفت زن»، «غرب وحشی وحشی»، «عصر پاکی» و «دور از بهشت» است. موسیقی فیلم‌های بزرگی چون «ته‌کاران نیویورک» یا «پرنده‌باز الکاتراز» نیز از کارهای اوست. شاید بتوان بزرگ‌ترین کار موسیقی او را موسیقی فیلم «هفت عالی» دانست که مورد

توجه بسیاری از محافل موسیقی قرار گرفت. برنشتین نامزد دریافت ۱۴ اسکار موسیقی فیلم شد اما فقط توانست در سال ۱۹۶۷ برای فیلم «کاملترین میلی مدرن» جایزه اسکار بهترین موسیقی فیلم را نصیب خود کند. او این توانایی را داشت که از موسیقی فیلم‌های کلاسیک تا موسیقی فیلم‌های پرانرژی جاز را تهیه کند. برنشتین اغلب از ارکسترهای بزرگ و کامل استفاده می‌کرد اما در برخی موارد مانند فیلم «مردی با بازوان طلایی» که در آن «فرانک سیناترا» نیز به ایفای نقش می‌پرداخت، به دلیل جاز بودن فضای فیلم، ارکستر بزرگ را کنار گذاشته و با گروه‌های کوچک جاز اقدام به ساخت موسیقی برای فیلم می‌کرد. او در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ به صورت خستگی‌ناپذیری برای سینمای هالیوود کار می‌کرد و در دهه ۸۰ بیش‌تر برای تلویزیون؛ از آن جمله می‌توان به همکاری‌اش با برنامه‌ی «نشنال جئوگرافیک» در تهیه‌ی موسیقی برنامه‌های تلویزیونی اشاره کرد. او علاقه‌ی بسیاری به نوازندگی پیانو داشت و بسیاری معتقد بودند که اگر آرزوهای جوانی او تحقق پیدا می‌کرد، بدون شک می‌توانست یکی از بزرگ‌ترین نوازندگان پیانو در جهان باشد؛ در عین حال همگی خوشحال هستند که نوازنده نشد، چرا که در این صورت دنیای موسیقی از خلق آثار او بی‌بهره می‌ماند! برنشتین در قرن بیست‌ویکم نیز جزو آهنگسازان و موسیقیدانان فعال بود و علاوه بر آهنگسازی اقدام به اجرا و انتشار مجدد کارهای موفق خود نمود.

موریس ژار



اگر برای اولین بار نام «موریس ژار» را به عنوان آهنگساز آثار کلاسیک سینمایی

اوایل دهه‌ی ۶۰ مانند «لورنس عربستان» و «دکتر ژواگو» شنیده باشید و متوجه شوید که او مدت‌ها قبل از این برای تعداد زیادی فیلم فرانسوی موسیقی ساخته است، از دانستن این نکته که او سازنده‌ی موسیقی متن بسیاری از فیلم‌های مطرح دهه‌های ۸۰ و ۹۰ از جمله «جاذبه‌ی مرگبار» و «روح» هم بوده متعجب خواهید شد. آن چه در آثار او بسیار جالب است، حرکت همراه با سبک‌ها و شیوه‌های زمانه و متناسب بودن موسیقی‌اش با هر سبک جدیدی از فیلم‌ها طی سال‌های مختلف است. نگاهی کوتاه به آثار دیگر ژار نشان می‌دهد که او علاوه بر مهارت در ساخت موسیقی حماسی، دارای مهارت و انعطاف‌پذیری فراوانی است که در پرداختن به هر نوع موسیقی راهگشای اوست.

موفقیت اولیه‌ی ژار در داستان‌های حماسی دهه‌ی ۶۰ با لورنس عربستان و همکاری پرمش با «دیوید لین» - کارگردان موفق آن دوره - آغاز شد. گذشته از این فیلم، این دو در فیلم‌های دکتر ژواگو و «گذرگاهی به هند» با یکدیگر همکاری کردند که موسیقی هر سه فیلم برنده‌ی جایزه‌ی اسکار شد. «دختر رایان» نیز از جمله همکاری‌های موفق ژار و لین به شمار می‌رود. ژار ساخت موسیقی فیلم را با آثاری چون «نفرین‌شدگان» ساخته‌ی «لوکینو ویسکونتی» در سال ۱۹۶۹ و «مردی که می‌خواست سلطان باشد» ساخته‌ی «جان هیوستن» در سال ۱۹۷۵ ادامه داد. او در سال ۱۹۷۶ برای موسیقی زیبای فیلم «محمد رسول‌الله» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی «مصطفی عقاد» نامزد جایزه‌ی اسکار شد. در دهه‌ی ۸۰ ژار با موسیقی فیلم‌های نامتجانسی چون فیلم کمدی - موزیکال «فوق محرمانه»، «انجمن شاعران مرده» و «نردبان یعقوب» به کار خود ادامه داد.

موریس ژار در موسیقی فیلم «شاهد» از سینتی‌سایزر استفاده کرد. در نگاه اول این انتخاب قدری نامعمول به نظر می‌رسد اما با گذشت زمان متوجه می‌شوید که حال و هوای فیلم تا چه حد با این موسیقی گویاتر و جذاب‌تر شده است. در فیلم روح نیز از صداهای سینتی‌سایزر به خوبی استفاده

شده به طوری که بسیاری از لحظات ماوراءالطبیعه‌ی داستان مناسب از کار درآمده است.

در فیلم تلویزیونی «عیسای ناصری» ساخته‌ی «فرانکو زفیرلی»، ژار موسیقی خود را بر مبنای حماسه‌های انجیلی قرار داد اما از موسیقی کورال آسمانی و بیش از اندازه عرفانی اجتناب نمود، در عوض قطعات ساده و متعدد روستایی برای سازهای بادی چوبی نوشت و آن‌ها را با میزان‌ها و سازهای خاورمیانه تنظیم و ترکیب کرد؛ نتیجه این شد که موسیقی، داستان را به خوبی همراهی می‌کند و در هیچ‌جا بیننده را دچار حس نمایشی مذهبی نمی‌کند. موسیقی موریس ژار بیش‌تر از کسترال است اما به عقیده‌ی بسیاری از منتقدان بیش‌تر به خاطر جنبه‌ی عملی ماجرا و نه دلایل زیبایی‌شناسانه به موسیقی سینتی‌سایزر شده روی آورده است. البته ژار این گفته را رد می‌کند و عقیده دارد که کارش در فیلم شاهد بسیار مشکل‌تر، وقت‌گیرتر و گران‌تر از موسیقی ارکسترال بوده است. او از دهه‌ی ۸۰ به بعد موسیقی الکترونیک را به تنهایی یا به صورت ترکیبی با سازهای آکوستیک در آثار خود به کار گرفته است.

مشهورترین آثار موریس ژار تا به امروز موسیقی منحصر به فرد فیلم‌های لورنس عربستان، محمد رسول‌الله و دکتر ژواگو هستند. موریس ژار دو پسر دارد که یکی «ژان میشل ژار» آهنگساز بنام و از پیشگامان موسیقی الکترونیک و دیگری «کوبین ژار» فیلم‌نامه‌نویس هالیوودی است. مشخص است که ژار پس از گذراندن بیش از ۵۰ سال به عنوان موسیقیدان و آهنگساز هنوز توانایی شگرف خود را از دست نداده است، چرا که تماشاگران در سال ۲۰۰۰ با فیلم‌های «طلوع خورشید» و «من خواب آفریقا را دیدم» شاهد آثاری تازه از او بودند.

انیو موریکونه

«انیو موریکونه» موسیقیدان و آهنگساز برجسته‌ی ایتالیایی، بیش از هر چیز به خاطر موسیقی متن فیلم، به‌خصوص فیلم‌های وسترن ایتالیایی (وسترن اسپاگنی) شهرت دارد و شاید مشهورترین آثار وسترن او مجموعه‌ی «دلار» با شرکت «کلینت



بود، زیرا بسیار نو و بدیع می‌نمود و سازبندی بسیار خلاقانه و نامتعارف آن - با استفاده از گیتار الکتریکی، سازدهنی و آوای دوردست زنبورک - به‌علاوه‌ی ترکیبات صوتی زیبا موفق شده بود صحنه‌های نمای نزدیکی که در آن شخصیت‌ها یکدیگر را برانداز می‌کنند و منتظر حرکتی از جانب یکدیگرند را پر از تحرک کند، سپس صحنه‌ی پرتحرک بعدی را با تأکیدهای مناسب قوی‌تر کرده و حرکتی را که به سرعت برق پایان می‌یابد به‌یادماندنی کند. حس غریزی او در موسیقی موجب شده که در تشدید حالت افسانه‌ی قهرمانان بزرگ و بی‌مانند بسیار موفق باشد. همین حس غریزی توانست موریکونه را در ساختن موسیقی مناسب و احترام‌برانگیز برای داستانی که دوره‌های مختلف زندگی قهرمانش را بازگو می‌کند در «سینما پارادیزو» و همچنین جادوی پایان‌ناپذیر قهرمانان فیلم‌های «تسخیرناپذیران» و «روزی روزگاری در آمریکا» یاری کند. همچنین موسیقی فیلم زیبای «افسانه‌ی ۱۹۰۰» که مورد توجه بسیار زیاد دوستداران موسیقی بوده، از کارهای این آهنگساز برجسته است ■

پرداخت. او نواختن ترومپت و آهنگسازی را تحت نظر «گوفردو پتراسی» آهنگساز و مدرس موسیقی کلاسیک و مدرن و همچنین رهبری کر را در کنسرواتوار سانتا چچیلیا فراگرفت. موریکونه کار نوشتن موسیقی برای فیلم را از سال ۱۹۶۲ آغاز کرد و در ضمن از کار بر روی آهنگسازی و تنظیم موسیقی کلاسیک نیز غافل نبود. در سال ۱۹۶۴، همکاری مشهور او با سرجیو لئونه و «برناردو برتولوچی» آغاز شد. او برای لئونه موسیقی «به خاطر یک مشت دلار» را ساخت که با تعدادی وسترن دیگر ادامه پیدا کرد. در سال ۱۹۶۸ او بیش‌تر به آهنگسازی فیلم پرداخت و در یک سال، ۲۰ موسیقی متن ساخت. با وجود این که همکاری طولانی موریکونه با لئونه از شهرت زیادی برخوردار است اما خود او با کارگردانی چون «جیلو پوتته کورو» و «جولیانو مونتالدو» بسیار راحت‌تر بود. یکی از افرادی که در اکثر آثار موریکونه حضور دارد، «آلساندرو آلساندرونی» دوست زمان کودکی‌اش است که با نواختن سازهای بادی کوچک - فلوت و فلوت مجار - در اجرا با او همراهی می‌کرد. موسیقی موریکونه در فیلم‌های وسترن بسیار مشخص و برجسته

ایست‌وود» و به کارگردانی هم‌کلاس قدیمی‌اش «سرجیو لئونه» باشد. سرجیو لئونه در دهه‌ی ۶۰ و بعد از آن، تعداد زیادی فیلم ساخت که بیش‌تر آن‌ها به زبان ایتالیایی بوده و بعد به انگلیسی دوبله می‌شد. ترکیب پس‌زمینه‌های ایتالیایی و داستان‌های وسترن با قهرمانی شکست‌ناپذیر، به ساختن چند فیلم موفق گانگستری نیز منجر شد که وی تقریباً در تمام آن‌ها از موسیقی موریکونه استفاده کرد. هرچند تماشاگران انگلیسی‌زبان پس از دیدن این فیلم‌ها با موسیقی موریکونه آشنا شدند اما او قبل از آن در موطن خود آهنگسازی مشهور بود. انیو موریکونه در سال ۱۹۲۸ در رم متولد شد و بعدها در همان‌جا به تحصیل موسیقی

